فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

ابواب کثرت عبادت 2

شروط عبادت کثیر 4

نکته یازدهم: نسبت عبادت کثیر و قلیل 6

عامل برتری عمل 8

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

در ارتباط با اینکه بین اخباری که بر رفق و مدارا دلالت دارند با اخبار دال بر استحباب کثرت در عبادات، مانند روایاتی که افضل الاعمال را احمزها می‌داند، چه نسبتی است؟ دیروز به بعضی از جواب‌ها اشاره کردیم. امروز به برخی روایات دیگر اشاره می‌کنیم.

ابواب کثرت عبادت

در وسائل‌الشیعه ابواب مقدمه واجب باب 19 آمده است «بَابُ تَأَكُّدِ اسْتِحْبَابِ حُبِّ الْعِبَادَةِ وَ التَّفَرُّغِ لَهَا» یعنی وقت درست گذاشتن برای عبادات. در این باب 7 روایت نقل شده است و در مستدرک[[1]](#footnote-1) روایاتی با همین عنوان نقل شده است.

عنوان باب 20 این است «بَابُ تَأَكُّدِ اسْتِحْبَابِ الْجِدِّ وَ الِاجْتِهَادِ فِي الْعِبَادَة» در این باب 22 روایت در وسایل و تعداد 20 حدیث در مستدرک[[2]](#footnote-2) آمده است.

در «بَابُ اسْتِحْبَابِ‏ الْجِدِّ وَ الِاجْتِهَادِ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِر» وسایل الشیعه نیز 8 روایت و در مستدرک[[3]](#footnote-3) در همین باب 23 حدیث وارد شده است.

از مجموع روایات، به دست می‌آید که نباید هیچ‌وقت عبادت را رها کرد، باید سختی‌هایش را تحمل کرد. به همت داشتن در عبادت زیاد، تشویق شده است.

تعبیرات «**أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ**»[[4]](#footnote-4)؛ «**أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِه**‏»[[5]](#footnote-5)، «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثيرا**».[[6]](#footnote-6) و ... در مجموع حدود 50 روایت در وسایل و مسدرک در مورد لزوم جد و جهد و تلاش برای کثرت عبادت وارد شده است.

مرحوم محدث نوری در آخر باب 18 مستدرک فرموده است: «وَ الْأَخْبَارُ فِي هَذَا الْبَابِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى وَ يَأْتِي فِي أَبْوَابِ جِهَادِ النَّفْسِ شَطْرٌ مِنْهَا»

در ابواب جهاد النفس هم روایاتی به همین مضمون وارد شده است.

در مورد تقوا، ورع، استحباب تلاش و اجتهاد در عبادت، انواع مختلف ترغیب‌ها در روایات وارد شده است.[[7]](#footnote-7)

جد و اجتهاد اختصاص به عبادت ندارد بلکه سایر امور را هم شامل می‌شود. بخش زیادی از این روایات ناظر به عبادات به معنای خاص است مانند نماز و روزه و ...

روایات «**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**»‏،[[8]](#footnote-8) «‏**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحْمَزُهَا**».[[9]](#footnote-9) را هم دیروز بحث کردیم.

شروط عبادت کثیر

روایات ترغیب‌کننده به عبادت زیاد را باید مقید کنیم به چند قید (این بحث را دیروز اشاره کردیم، امروز تکمیل می‌کنیم):

1. ذات عبادت مستحب اما محدود است به اینکه شخص را به عزلت و انزوا نکشاند. کثرت عبادت، خط قرمزش آن است که فرد را از جامعه و ارتباط با دیگران باز ندارد.

2. نباید نظام خانوادگی فرد را مختل کند.

3. عبادت موجب ترک تکالیف وظایف دیگر اجتماعی و اقتصادی فرد نشود. این شرط را می‌توان زیرمجموعه همان شرط اول قرار داد ولی برای روشن‌تر شدن و تأکید بیشتر می‌توان تفکیک کرد. تکالیف واجب اجتماعی نباید فراموش شود.

4. آنچه در باب 26 آمده بود که سفارش شده بود به کثرت در عبادات، اگر منجر به نوعی مبغوضیت و تنفر در عبادت شود، خط قرمز چهارم است که چنین عبادتی استحباب ندارد.

تأکید بر عبادت مستحب مانند نوافل، زیارت، دعا و مناجات و انواع مختلف عبادات خیلی خوب است، هرچه بیشتر، بهتر اما این کثرت و تحمل سختی محدود به حدود 4 قید ذکر شده است. یعنی نباید به رهبانیت کشیده شود، زنگی خانوادگی را مختل نکند، معارض با تکالیف اجتماعی نباشد و اینکه بازتاب‌های منفی در شخصیت فرد ایجاد نکند.

قید سوم از قاعده تزاحم به دست می‌آید اما قیود اول، دوم و چهارم به طور خاص از روایات استفاده می‌شود. گرچه قید سوم هم روایت دارد مانند:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «**لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضَرَّتْ‏ بِالْفَرَائِضِ قَالَ وَ قَالَ (ع‏) إِذَا أَضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضُوهَا**».[[10]](#footnote-10)

«**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**»‏.[[11]](#footnote-11)

«**فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تُبَغِّضْ‏ إِلَى نَفْسِكَ‏ عِبَادَةَ رَبِّك**»‏[[12]](#footnote-12)

و عناوین دیگر.

این چهار شرط در مقام تعلیم و تربیت هم هست.

رابطه این‌ها از قبیل مطلق و مقید است. دستور و تأکید بر عبادت مطلق است اما روایات مخالف از جمله ابواب ذکر شده، خاص است.

ادله اولی عبادات هم بر ازدیاد عبادت تأکید می‌کند به علاوه روایات دال بر جدّ و جهد در عبادات.

سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا دلیل خاص داریم که کثرت عبادات را نخواهد؛ زیاده‌روی در عبادت با قطع‌نظر از 4 شرط ذکر شده، منع شده باشد؟ اختلال در زندگی و شخص و ... ایجاد نکرده، آیا این کثرت عبادت مطلوب است؟ یا نهی داریم؟

کثرت عبادت به‌خودی‌خود نهی نشده است مگر آن چیزی که در مورد نهی امام باقر (ع) به امام صادق (ع) وارد شده است: «**اِجتَهَدتُ فِي العِبادَةِ وأنَا شابٌّ ، فَقالَ لي أبي : يا بُنَيَّ ، دونَ ما أراكَ تَصنَعُ؛ فَإِنَّ اللّهَ عَزَّوجَلَّ إذا أحَبَّ عَبدا رَضِيَ عَنهُ بِاليَسير**»[[13]](#footnote-13). علی القاعده در این نفی امام (ع) نسبت به فرزند خود، مورد پیامد منفی، منتفی است، ولی در عین حال فرمود: «**دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً رَضِيَ مِنْهُ بِالْيَسِير**».

در مورد کیفیت عبادت هم اگر حساب کنید، عبادت امام صادق (ع) با کیفیت بود. این روایت معارض است. شاید منظور امام (ع) جنبه‌های الگویی و تعلیمی بوده است. شاید قبل از امامت، عبادت زیاد نوعی تنزل درجه می‌آورد؛ منع تحریمی نسبت به امام نیست ولو نسبت به دیگران تحریمی باشد و موجب تنفر شود. منظور شاید این بوده که نکند، دیگران یاد بگیرند درحالی‌که آنان ظرفیت ندارند. یا اینکه زیاده‌روی در عبادت موجب بازماندن از بخش‌های دیگر و درنتیجه موجب محرومیت از کمالی شود. در فرض معارضه، روایات جد و اجتهاد زیاد است لذا این یک روایت با آن‌ها نمی‌تواند معارضه کند.

پس عمده شروط در همان چهار عنوان می‌گنجد و زیاده‌روی در عبادت مقید به همان چهار شرط است و الا کثرت در عبادت بماهی ممدوح است.

نکته یازدهم: نسبت عبادت کثیر و قلیل

بحث دیگر این است که در روایاتی داریم که عبادت قلیل با شرایط خاص را نسبت به کثیر ترجیح می‌دهد؛ تعبیر دارد:

وَ قَالَ (ع):‏ «**قَلِيلٌ‏ تَدُومُ‏ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْه**‏»[[14]](#footnote-14)؛

قَالَ (ع):‏ «**إِذَا أَضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضُوهَا**»[[15]](#footnote-15)

کم و مستمر از ازدحام در برنامه‌های عبادی که قطع شود، بهتر است. آهسته و پیوسته بودن عبادت بهتر است که یک‌باره و زیاد انجام شود و سپس ترک شود.

طایفه دیگر داریم که عمل کم اما با تفکر، با اخلاص و با معرفت باشد را بهتر از اعمالی می‎‌داند که آن درجه از اخلاص و معرفت را ندارد. این قبیل روایات زیاد داریم؛ روایات چند گروه است.

اگر اشکال شود که این روایات با روایات دال بر کثرت عبادت معارض است، جوابش روشن است. این دسته روایات کثرت در عبادت را منع نکرده است، بلکه مقایسه کرده است. عبادت کم و مبتنی بر تفکر و اخلاص برتر است از عبادتی که زیاد باشد اما اخلاص نداشته باشد. اگر عبادت زیاد، آن عمق و اخلاص را داشت، مطلوب است چنانچه حضرت امیرالمؤمنین (ع) در شبانه‌روز هزار رکعت نماز با اخلاص می‌خواند. این روایات با جد و اجتهاد در عبادت منافات ندارد. اعمال قلیل پرمایه نسبت به اعمال کثیر که سیل‌وار می‌آید و بعد بساطش جمع می‌شود، برتری دارد.

قید پنجم کثرت عبادت بدون مداومت بر آن است. کثیر و قلیل گاهی به لحاظ نوع و گاهی کثرت و قلت به اعتبار دوام آن است مثلاً عبادت خاصی را به مدت طولانی تکرار نماید، چهل روز زیارت عاشورا بخواند با همه شرایط و آدابش.

پس کثرت دو دسته است:

* ملول می‌کند.
* ملول نمی‌کند.

کثیر در مقایسه با قلیل که وزن معرفتی و اخلاص دارد، مطلوبیت ندارد. پس قید پنجم هم اضافه شد.

کثرتی ممدوح است که در مقابل قلیل، آن ویژگی‌های اخلاص و کیفیت را داشته باشد. ذیل روایت دوم باب 26 آمده است: «**فَقَالَ لِي أَبِي يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً رَضِيَ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ**».[[16]](#footnote-16) احب یعنی به اوج اخلاص برسد لذا کم آن هم برد دارد و مقبول است اما در شرایط مساوی، قلیل مقدم و ممدوح نیست. کثیر مستمر و سرشار و لبریز بهتر از قلیل است.

«**اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثيرا**».[[17]](#footnote-17)

«**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْراً لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون**»‏.[[18]](#footnote-18)

عامل برتری عمل

عامل برتری عمل عبارت است از:

1) دوام عبادت؛ هر عبادتی روح و خُلقی در انسان ایجاد می‌کند، روی شخصیت فرد اثر می‌گذارد.

2) معرفت و اخلاص روح عبادت است لذا افضل می‌شود زیرا معرفت و اخلاص بیش از کثرت عمل، به عبادت عمق می‌دهد.

3) نوع عبادات هم گاهی باهم فرق می‌کند. عبادات قلبی نسبت به جوارحی فضیلت و برتری دارد.

1. . نورى، حسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏1 ؛ ص120 [↑](#footnote-ref-1)
2. نورى، حسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏1 ؛ ص122 [↑](#footnote-ref-2)
3. . نورى، حسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏7، ص455 [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحار الأنوار : 70/296/1. [↑](#footnote-ref-4)
5. . الكافي : 2 / 83 / 3 عن عمرو بن جميع ، مشكاة الأنوار : 203 / 541 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : 232 بسنده عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 70 / 253 / 10 [↑](#footnote-ref-5)
6. . الأحزاب : 41 [↑](#footnote-ref-6)
7. . وسائل الشيعة ج‏1 ص 85: بَابُ تَأَكُّدِ اسْتِحْبَابِ الْجِدِّ وَ الِاجْتِهَادِ فِي الْعِبَادَةِ [↑](#footnote-ref-7)
8. . نهج البلاغة ج 2 ص 199؛ مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏68 ؛ ص218 [↑](#footnote-ref-8)
9. . مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 67، ص 191 [↑](#footnote-ref-9)
10. . نهج البلاغة 3- 221؛ شيخ حر عاملى، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج‏4، ص286 [↑](#footnote-ref-10)
11. . نهج البلاغة ج 2 ص 199؛ مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏68 ؛ ص218 [↑](#footnote-ref-11)
12. . كلينى، الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2 ؛ ص87 [↑](#footnote-ref-12)
13. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج‏1 ؛ ص108 [↑](#footnote-ref-13)
14. . نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص525؛ مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏3 ؛ ص54 [↑](#footnote-ref-14)
15. . نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص525 [↑](#footnote-ref-15)
16. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج‏1 ؛ ص108 [↑](#footnote-ref-16)
17. . الأحزاب : 41 [↑](#footnote-ref-17)
18. . التغابن : 16 [↑](#footnote-ref-18)